وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ
إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَامَ قَائِماً ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ وَ يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ.
وَ يَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ وَ يَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتْحَفُ بِهِ، وَ يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ. وَ يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي بِالْجَلِيلِ وَ يَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ. وَ يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ. وَ يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ، وَ لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ. وَ يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُنْمِيَهَا، وَ يَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعَفِّيَهَا. انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ، فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَ الْجَلَالُ الْأَمْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ. كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ، خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَ ضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ، وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَ إِغَاثَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ. لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ، وَ لَا يَيْأَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَ لَا يَشْقَى بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ. رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُكَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَّهُمْ إِمْهَالُكَ عَنِ النُّزُوعِ. وَ إِنَّمَا تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفِيئُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلْتَهُ لَهَا.
كُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَى حُكْمِكَ، وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ.
حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ، وَ الْخَيْبَةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِكَ. مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ الْمَخْرَجِ!! عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَ

إِنْصَافاً مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ. فَقَدْ ظَاهَرْتَ الْحُجَجَ، وَ أَبْلَيْتَ الْأَعْذَارَ، وَ قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ، وَ تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ، وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ، وَ أَطَلْتَ الْإِمْهَالَ، وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلمُعَاجَلَةِ، وَ تَأَنَّيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيءٌ بِالْمُبَادَرَةِ لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزاً، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَهْناً، وَ لَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ كَرَمُكَ أَكْمَلَ، وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ، كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَزَلْ، وَ هُوَ كَائِنٌ وَ لَا تَزَالُ. حُجَّتُكَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا، وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقَلِّهِ وَ قَدْ قَصَّرَ بِيَ السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَ فَهَّهَنِيَ الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ، وَ قُصَارَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةً- يَا إِلَهِي- بَلْ عَجْزاً. فَهَا أَنَا ذَا أَؤُمُّكَ بِالْوِفَادَةِ، وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ الرِّفَادَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي، وَ لَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي، وَ لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي، وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي، إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

دعای چهل و ششم از دعاهای امام علیه السّلام است در روز فطر (اوّل ماه شوّال) و در روز جمعه

هنگامیکه نماز آن را بجا میآورد رو بقبله میایستاد و میگفت: [1 ای آنکه رحم میکند کسی را که بندگان باو رحم نمیکنند (زیرا رحمت و مهربانی خداوند متعال از قبیل آفریدن، روزی دادن، سود رساندن و جلوگیری از ضرر و زیان بی علّت و غرضی همه موجودات را فرا خواهد گرفت، و رحمت بندگان یکدیگر را از روی علّت و غرضی است مانند پاداش خواستن و ستودن بر آن، پس هر گاه علّت و غرضی نباشد رحمت و مهربانی نخواهد بود، از این رو خداوند رحم میکند کسی را که بندگان باو رحم نمیکنند، و گفته‌اند: از جمله کمال رحمت او پوشاندن عیوب و زشتیهای تو است، و او عیوبی از تو میداند که اگر آن را پدرت میدانست از تو جدائی مینمود، و اگر همبسترت میدانست با تو زندگی نمیکرد، و اگر خدمتکارت میدانست میگریخت، و اگر همسایه‌ات میدانست در ویران ساختن خانه‌ات میکوشید، پس کدام رحمت و مهربانی کاملتر از رحمت خداوند سبحان است)-] [2 و ای آنکه میپذیرد کسی را که اهل شهرها او را نمیپذیرند-] [3 و ای آنکه نیازمندانش را خوار نمیگرداند-] [4 و ای آنکه اصرار کنندگان خود (کسانیکه پیوسته از او حاجت میطلبند) را نومید نمیسازد-] [5 و ای آنکه دست ردّ و منع بر پیشانی کسانیکه بمحبّت و دوستی او اعتماد دارند و بر او افراط و تجاوز از حدّ مینمایند نمیزند-] [6 و ای آنکه چیز خردی را که باو ارمغان دهند (عمل کوچکی را که باو اختصاص دهند) میپذیرد، و اندك چیزی (کاری) را که برای او انجام دهند جزا میدهد-] [7 و ای آنکه عمل کم را میپذیرد و پاداش بزرگ میدهد-] [8 و ای آنکه نزدیك میشود (احسان و نیکی مینماید) بکسیکه باو نزدیك شود (عبادت و بندگی کند)-] [9 و ای آنکه بسوی خود میخواند (بتوبه و بازگشت امر میفرماید) کسی را که از او رو بر گرداند (معصیت و نافرمانی کند)-] [10 و ای آنکه نعمت و بخشش را (بزرگ باشد یا کوچك) تغییر نمیدهد (نیست و نابود نمیگرداند، و بعذاب و کیفر

تبدیل نمینماید، اشاره بقول خدای تعالی «س 13 ی 11»: إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ «خدا نعمت قوم و گروهی را دگرگون نمیسازد تا اینکه نیکیشان را ببدی تبدیل نماید» و در واقع تغییر نعمت ایشان از جانب خداوند سبحان نیست تا گفته شود بین عبارت دعاء: یا من لا یغیّر النّعمة و آیه شریفه منافات دارد، بلکه تغییر نعمت بسبب بدی آنان است پس گوئیا ایشان تغییر دهنده نعمت هستند) و بکیفر رساندن (گنهکاران) شتاب نمیکند (بلکه از راه لطف و احسان آنها را مهلت میدهد تا از معصیت و گناه توبه نمایند)-] [11 و ای آنکه نیکی را ببار میآورد تا آن را بیافزاید (دارای ثمره و سود گرداند) و از بدی در میگذرد تا آن را ناپدید کند (ببخشد)-] [12 آرزوها پیش از رسیدن بمنتهی و پایان جود و بخشش تو با (روا شدن) خواستهها برگشتند (زیرا غایت و منتهی برای کرم و جود تو نیست) و جامهای حاجات و خواستهها بجریان و روان شدن جود و بخشش تو پر شد، و اوصاف پیش از رسیدن به (کنه و حقیقت) وصف تو از هم گسیختند (ناتوان گشته ماندهاند) زیرا بلندترین بلندی بر بالای هر بلندی، و بزرگترین بزرگی بر بالای هر بزرگی بس تو را است (نه غیر تو را)-] [13 هر بزرگی در برابر تو خرد، و هر ارجمندی در کنار ارجمندیت خوار است (هر چند نسبت بدیگری بزرگ و ارجمند باشد، زیرا هر موجودی در تحت قدرت و توانائی و مشیّت و خواست تو است) آنانکه بسوی غیر تو آمدند نومید گشتند، و آنانکه جز تو را درخواست نمودند زیان کردند، و آنانکه بدرگاه جز تو فرود آمدند تباه شدند، و نعمت خواهان جز کسیکه از فضل و احسان تو نعمت خواست دچار خشکسالی (بدبختی و گرفتاری) گردیدند-] [14 در (رحمت) تو بروی آنانکه خواهانند باز است، و بخشش تو برای درخواست کنندگان مباح و روا است (ممنوع و باز داشته نشده) و فریادرسیت بفریادرس خواهان نزدیك است-] [15 امیدواران از تو محروم نمیمانند، و درخواست کنندگان عطاء و بخششت نومید نمیگردند، و آمرزش خواهان بعذاب و کیفرت بدبخت نمیشوند (اشاره بقول خدای تعالی «س 8 ی 33»: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ، وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ يعنى و خدا ایشان را عذاب نخواهد کرد در حالیکه تو در میان ایشان

باشی، و هم آنان را بکیفر نمیرساند در حالیکه استغفار نموده آمرزش میطلبند)-] [16 روزی تو برای کسیکه معصیت و نافرمانیت کرده گسترده (از جهت اظهار کمال کرم و بخششت او را هم فرا گرفته) و حلم و بردباریت (شتاب نکردن در انتقام و بکیفر رساندن) برای آنکه با تو دشمنی نموده (فرمانت نبرده) رو آورنده است (زیرا) عادت و روش تو ببدکاران احسان و نیکی است، و طریقه (حکمت) تو بر تجاوز کنندگان از حدّ رحمت و مهربانی است (این سخن با قول خدای تعالی «س 2 ی 190»:

إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ یعنی خدا تجاوز کنندگان از حدّ «ستمکاران» را دوست ندارد «رحمت او ایشان را فرا نخواهد گرفت» منافات ندارد، زیرا رحمت او بر ایشان از جهت اقتضاء ذات او است، و دوست نداشتنش آنها را از جهت اقتضاء از حدّ تجاوز نمودن آنان است) تا اینکه مهلت دادن تو ایشان را از بازگشت (از باطل بسوی حقّ) مغرور ساخته و فریب داده، و شتاب نکردن تو (در کیفر) آنها را از باز ایستادن (بجا نیاوردن گناه) باز داشته-] [17 و (ایشان غفلت دارند از) اینکه آنان را مهلت دادهای برای آنست که بفرمان تو باز گردند، و اینکه درباره (کیفر) آنها شتاب ننمودی از جهت اعتماد بدوام و همیشگی ملك و پادشاهی خود میباشد (چون کسی عجله و شتاب مینماید که از گذشتن وقت بترسد، ولی کسیکه بر قدرت و تسلّط خویش بر هر که بخواهد و هر وقت که بخواهد اعتماد داشته باشد سببی برای عجله و شتاب او نیست) پس هر که سزاوار نیکبختی بوده خاتمه و پایان کارش را نیکبخت گردانیدی، و هر که شایسته بدبختی بوده او را از جهت بدبختی خوار ساختی (کمك و یاری نکرده بخود وا گذاشتی)-] [18 همه ایشان (نیکبختان و بدبختان) بحکم تو میرسند، و گفتار و کردارشان بفرمان تو باز میگردد (بازگشت همه بسوی تو است، و تو درباره ایشان بپاداش و کیفر و گذشت حکم کرده فرمان خواهی داد، چنانکه در قرآن کریم «س 6 ی 60» فرموده: ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی پس بازگشت شما «بعد از مرگ» بسوی او است، سپس «در روز قیامت» شما را بآنچه بجا میآورید آگاه میسازد) و طول مدّت (مهلت دادن توبه) ایشان حجّت و دلیل تو را (در انتقام بر آنها) سست

نساخته (چنانکه جز تو هر که را بر دیگری حجّتی باشد و بوسیله آن در گرفتن حق خود شتاب ننماید تا آنکه بطول انجامد حجّتش سست و از گرفتن حقّ خود ناتوان گردد) و از جهت شتاب نکردن در (باره باز خواست از) اینان دلیل آشکار تو (در باره عذاب آنان) باطل و نادرست نشده (باینکه گفته شود: اگر خدای تعالی را بر آنها حجّت و دلیلی بود مهلتشان نمیداد)-] [19 حجّت و دلیل تو پابر جا است که باطل نمیشود، و سلطنت و پادشاهیت ثابت و همیشگی است که نیست نمیگردد، پس عذاب همیشگی کسی را است که از تو برگشته، و نومیدی خوار کننده کسی را است که از تو نومید گردیده، و بدبختترین بدبختی برای کسی است که به (کرم و بخشش) تو مغرور و فریفته و (بر معصیت و نافرمانیت) جرات نموده دلیر شود (زیرا کریم هر گاه بکسی بی‌عوض و غرضی نعمت داد و او را بچیزی امر نمود و او معصیت و نافرمانیش کرد و شکر نعمتش را بجا نیاورد لازمه کرمش چشم پوشی از گناه او نمیباشد)-] [20 چه بسیار است پی در پی بازگشت او (آن مغرور بکرمت) در شکنجه تو، و چه طولانی است سرگردانیش در کیفر تو، و چه دور است پایان غم و اندوهش، و چه نومید است از رهائی یافتن بآسانی!! (همه این گرفتاریهای او) از روی عدل در حکم تو است که در آن ظلم نمیکنی، و از روی انصاف و دادگری در فرمان تو است که بر او ستم نمینمائی-] [21 برای آنکه حجّتها و دلیلهایت را پی در پی و بکمك یکدیگر گردانیده‌ای، و دلیلها را بیان کرده آشکار ساخته‌ای، و تهدید و ترساندن (از عذاب خود) را اعلام نموده‌ای، و در ترغیب و خواهان نمودن (بپاداش) لطف و نیکوئی بجا آورده‌ای، و (در قرآن کریم) مثلها زده و داستانها بیان فرموده‌ای، و مهلت دادن را طولانی کرده، و (کیفر را) بتأخیر انداخته‌ای در حالیکه تو بر شتاب کردن توانائی، و شتاب نکردی و تو بشتاب نمودن قادری-] [22 مکث و درنگ نمودن تو نه از روی ناتوانی است، و مهلت دادنت نه از روی سستی است، و خود داریت نه از روی بیخبری است و بتأخیر انداختنت نه از روی ملاطفت و خوشرفتاری است (که از ترس شرّ کسی که او را مهلت داده‌ای باشد) بلکه برای آنست که حجّت تو رساتر و کرم و بخشش تو کاملتر و نیکی تو فراوانتر و

نعمت تو تمامتر باشد، و همه آنچه گفته شد (جمله بیست و یکم تا اینجا) بوده و همیشه بوده و هست و همیشه خواهد بود-] [23 حجّت و دلیل تو بزرگتر از آنست که بهمه (وصف) آن وصف شود (حجّت تو منزّه است از اینکه مخلوق و آفریده‌ای بر احاطه بوصف آن توانائی داشته باشد) و بزرگی تو بالاتر از آنست که کنه و حقیقت آن بحدّی در آید (پایانی برای آن تعیین گردد) و نعمت تو افزونتر از آنست که همه آن شمرده شود، و نیکی تو بیشتر از آنست که بر کمتر آن سپاس گزارده شوی-] [24 و خاموشی مرا از سپاسگزاردن تو ناتوان ساخته، و خودداری مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده (من از سپاسگزاردن و بزرگ داشتن تو ناتوان و درمانده‌ام از این رو خاموش گشته و خودداری مینمایم، پس گوئیا خاموشی و خودداری مرا ناتوان و درمانده نموده است) و نهایت کوشش من (در سپاسگزاری) اعتراف بدرماندگی است، نه از روی بی رغبتی و دوری گزیدن از سپاسگزاری- ای خدای من- بلکه از روی عجز و ناتوانی است-] [25 پس (چون حال چنین است) اینك منم که آمدن بدرگاه تو را قصد میکنم، و عطا و بخشش نیکو از تو میخواهم، پس بر محمّد و آل او درود فرست،و رازم را بشنو، و دعاء و درخواستم را روا ساز، و روزم را بنومیدی بپایان مرسان، و در خواهشم دست ردّ و منع بر پیشانیم مزن (مرا نومید مگردان) و رفتنم را از نزد خود و بازگشتنم را بسویت گرامی دار، زیرا تو بآنچه بخواهی گرفتار سختی نمیشوی، و از آنچه از تو خواسته شود ناتوان نیستی، و تو بر هر چیز توانائی، و انتقال (از معاصی) و توانائی (بر طاعت برای ما) نیست جز بیاری خدای بلند مرتبه بزرگ (که خردها از درك حقیقت ذات او فرو میمانند).-
[